# ۹۵۰۲۲۹-۷۶۰

**چهار‌شنبه – جلسۀ ۱۳۴**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به محصور در عمره مفرده بود.

مشهور گفتند که واجب هست این محصور که بیمار شده و نمی تواند به مکه برود برای اتیان اعمال عمره مفرده، برای خروج از احرام قربانی یا پول قربانی را به مکه بفرستد و صبر کند طبق اتفاقی که با آن افرادی که با آن ها و به دست آن ها قربانی را فرستاده است در روز معینی که با هم قرار می گذارند که قربانی از طرف او در مکه ذبح بشود، تا آن روز صبر می کند و بعد از آن حلق و تقصیر می کند و از احرام خارج می شود.

آقای خوئی فرمود که در روایت صحیحه معاویة‌بن عمار دارد که امام حسین علیه السلام نحر فی مکانه یا علی علیه السلام از مدینه تشریف آورد دید امام حسین بیمار است و محرم شده بود امام حسین به عمره مفرده، فنحر له بدنة فی مکانه و حلق رأسه. و لذا مقتضای این صحیحه معاویة بن عمار در مورد ذبح هدی در عمره مفرده تخییر بین این است که این مریض که محصور شده است از عمره مفرده، ارسال کند قربانی یا پول آن را به مکه تا در مکه از طرف او ذبح کنند و یا در همین مکان حصر قربانی را ذبح کند. و حمل این صحیحه معاویة‌بن عمار بر این که امام حسین علیه السلام شاید مضطر بود، این، درست نیست؛ چون امام صادق علیه السلام این قضیه را نقل کردند،‌شخص عادی نقل نکرد، امام صادق علیه السلام اگر ببینند این کار امام حسین بخاطر اضطرار است و این را بیان نکنند، این مناسب نیست و مردم به اشتباه می افتند.

به نظر ما آقای خوئی به صدر این صحیحه اگر تمسک می کرد بهتر بود. ما صدر صحیحه را بخوانیم. سألته عن رجل احصر فبعث بالهدی قال یواعد اصحابه میعادا ان کان فی الحج فمحل الهدی یوم النحر، اگر محصور است از حج، قربانی که فرستاد روز عید قربانی ذبح می شود، و ان کان فی عمرة فلینظر مقدار دخول اصحابه مکة و ساعة التی یعدهم فیها فان کان تلک الساعة قصر و احل و ان کان مرض فی الطریق بعد ما احرم فاراد الرجوع رجع الی اهله و نحر بدنة، اگر این آقا در بین راه مریض شد بعد از محرم شدن که فرض هم همین است و الا اگر قبل از محرم شدن مریض می شد که مشکلی نبود، و ان کان مرض فی الطریق بعد ما احرم و اراد الرجوع رجع الی اهله و نحر بدنة، این ظاهرش این است که مخیر است. اول فرمود یواعد اصحابه میعادا و ان کان فی عمرة فلینظر مقدار دخول اصحابه مکة و الساعة‌التی یعدهم فیها صبر می کند تا آن زمانی که قرار بود که در مکه از طرف او قربانی بکنند و بعد حلق و تقصیر می کند بعد فرمود و ان کان مرض فی الطریق بعد ما احرم فاراد الرجوع رجع الی اهله و نحر بدنة او اقام مکانه، می تواند هم همانجا بماند حتی یبرء اذا کان فی عمرة و اذا برء فعلیه عمرة واجبة می تواند همانجا بماند محرم تا خوب بشود و بعد از خوب شدن به مکه برود برای اعمال مکه.

خود این روایت صحیحه بیان کرده تخییر را. نیازی نیست که به ذیل این روایت ما تمسک کنیم بعد شبهه بشود که ذیل این روایت راجع به امام حسین علیه السلام قضیة فی واقعة و شاید امام حسین مضطر بود به ذبح هدی در مکانش.

پس بعید نیست قول به تخییر در عمره مفرده بین این که این محصور قربانی را به مکه بفرستد یا در همان مکان خودش ذبح کند و این تخییر مختص به عمره مفرده است. در عمره تمتع و حج ما دلیلی بر این تخییر نداریم.

مطلب دوم این است که محصور در عمره مفرده بعد از تحلل به ذبح هدی و حلق و تقصیر، از نظر مشهور حرمت نساء بر او می ماند.

[سؤال: ... جواب:] تخییر بین ارسال هدی و یا ذبح هدی در مکان خودش برای محصور مختص به عمره مفرده است. ما دلیلی بر تخییر در حج نداریم. ... ذیلش که دارد و ان کان علیه الحج رجع او اقام ففاته الحج فان علیه الحج من قابل که معلوم نیست راجع به این کسی است که نحر فی مکانه. راجع به عمره مفرده ما فهمیدیم نحر فی مکانه یا ذبح فی مکانه بکند.

این مطلب دوم راجع به این هست که مشهور از جمله آقای خوئی فرمودند محصور در عمره مفرده، کسی که بیمار شد نتوانست عمره مفرده را بجا بیاورد، همه چیز بر او حلال می شود با اعمال محصور مگر زن. برای حلیت زن باید یک عمره مفرده دیگری بجا بیاورد. بلکه مشهور این مطلب را در مطلق محصور گفتند چه در عمره مفرده و چه در عمره تمتع و چه در حج. از جمله امام قدس سره آقای سیستانی نظرشان این است. آقای خوئی نه؛ فقط در عمره مفرده قائل است که حرمت نساء می ماند بر این محصور.

استدلال مشهور به صحیحه معاویة بن عمار است که المصدود تحل له النساء و المحصور لاتحل له النساء. در همین صحیحه معاویة بن عمار هم که بیماری امام حسین علیه السلام را مطرح کرد، راوی می گوید ارایت حین برء من وجعه أحل له النساء؟ فقال لاتحل له النساء حتی یطوف بالبیت و سعی بین الصفا و المروة.

اما مرحوم استاد و آقای زنجانی تفصیل دادند فرمودند در عمره مفرده اگر قربانی را بفرستد این محصور به مکه و در مکه از طرف او قربانی بکنند و بعد این محصور حلق و تقصیر بکند، زن هم بر او حلال می شود. اگر در محل حصر قربانی بکند، اینجاست که زن بر او حلال نمی شود.

[سؤال: ... جواب:] آقای زنجانی هم تخییر بین ارسال هدی در عمره مفرده و ذبح هدی در مکان حصر را قائلند، آقای تبریزی هم قائل بودند مثل آقای خوئی. منتها آقای خوئی فرمودند عمره مفرده که شخص محصور شد بلافرق بین ارسال الهدی به مکه یا ذبح هدی در مکان حصر، موجب می شود که حرمت نساء بماند بر این محصور مگر یک عمره دیگری بجا بیاورد. آقای زنجانی و مرحوم استاد فرمودند نه؛ اگر ارسال هدی بکند به مکه و در مکه از طرف او قربانی بشود و بعد این آقا حلق و تقصیر بکند نساء هم بر او حلال می شود. فقط بر کسی نساء حرام است که در مکان حصر قربانی بکند.

وجه این مطلب را عرض کنم.

مرحوم آقای تبریزی قدس سره، استاد ما، فرمودند ما سه طائفه از روایات داریم. بین این سه طائفه انقلاب نسبت برقرار می شود. طائفه اولی آن هایی هستند که بطور مطلق می گویند المحصور لاتحل له النساء. مثل صحیحه معاویة بن عمار. طائفه ثانیه آن روایتی است که مطلقا می گوید تحل له النساء. المحصور تحل له النساء. و آن صحیحه بزنطی است؟ سألت اباالحسن علیه السلام عن محرم انکسرت ساقه ای شیء یکون حاله و ای شیء علیه؟ قال هو حلال من کل شیء. قلت من النساء و الثیاب و الطیب؟ فقال نعم من جمیع ما یحرم علی المحرم أ ما بلغک قول ابی عبد الله علیه السلام حلنی حیث حبستنی لقدرک الذی قدرت علیه. مرحوم استاد فرمودند این طائفه دوم هم دلالت می کند بر حلیت نساء بر محصور مطلقا. طائفه ثالثه همان صحیحه معاویة بن عمار است که حاکی قضیه امام حسین علیه السلام است که می گوید امام حسین علیه السلام بعد از این که بیمار شدند نحر فی مکانه. بعد سائل می گوید أرایت احل له النساء؟ قال لا حتی یطوف بالبیت و یسعی بین الصفا و المروة.

مرحوم استاد فرمودند این صحیحه معاویة بن عمار موجب انقلاب نسبت می شود بین دو طائفه اولی و ثانیه. مورد این صحیحه معاویة بن عمار که به عنوان طائفه ثالثه مطرح شد، عمره مفرده ای است که ذبح المحصور هدیه فی مکان الحصر. مورد این صحیحه معاویة بن عمار که طائفه ثالثه است این است که محصور، مریض در عمره مفرده قربانی اش را در همان مکان حصر ذبح کرد. این صحیحه معاویة بن عمار که در طائفه ثالثه است نسبتش با طائفه ثانیه که صحیحه بزنطی است می شود عموم و خصوص مطلق. صحیحه بزنطی گفت المحصور تحل له النساء؛ صحیحه معاویة بن عمار در طائفه ثالثه می گوید الا المعتمر عمرة مفردة اذا ذبح فی مکان الحصر. تقیید می زند صحیحه بزنطی را. صحیحه بزنطی وقتی تقیید خورد مختص شد به غیر این شخصی که محصور در عمره مفرده است و در مکان حصر قربانی اش را ذبح می کند. آن وقت می شود اخص مطلق از طائفه اولی که می گفت المحصور لاتحل له النساء. حمل می کنیم طائفه اولی را بر آن محصور در عمره مفرده ای که در مکان حصر قربانی کرده است. می گوییم او است که لاتحل له النساء. و این موجب انقلاب نسبت است.

باز تکرار می کنم. ما سه طائفه از روایات داریم. طائفه اولی می گوید المحصور لاتحل له النساء مطلقا. طائفه ثانیه صحیحه بزنطی مفادش این است که المحصور تحل له النساء مطلقا. طائفه ثالثه می گوید المحصور فی العمرة المفردة و قد ذبح فی مکان الحصر لاتحل له النساء. این طائفه ثالثه اخص مطلق است از طائفه ثانیه که می گفت تحل له النساء. این طائفه ثانیه را حمل می کنیم بر محصور در حج و یا محصور در عمره تمتعی که بعث الهدی الی مکة. می گوییم او هست که تحل له النساء، او هست که صحیحه بزنطی می گفت تحل له النساء. صحیحه بزنطی می شود اخص مطلق از طائفه اولی که می گفت المحصور لاتحل له النساء‌مطلقا. حمل می کنیم طائفه اولی را بر خصوص محصور در عمره مفرده ای که ذبح الهدی فی مکانه.

مرحوم آقای خوئی هم همین انقلاب نسبت را قبول دارد. ولی از صحیحه معاویة بن عمار در طائفه ثالثه اطلاق گرفته. گفته عمره مفرده حکمش این است که لاتحل له النساء. فرق نگذاشته بین این که قربانی را بفرستد مکه یا در محل حصر قربانی بکشد. و لذا آقای خوئی هم انقلاب نسبت را در اینجا مطرح می کند ولی چون طائفه ثالثه را اعم گرفته از عمره مفرده ای که قربانی را بفرستد مکه در مکه ذبح بشود یا قربانی را در همان مکان حصر ذبح کند. و لذا جور دیگر انقلاب نسبت بر قرار کرده.

[سؤال: ... جواب:] ایشان در این بحث که این طور دارد که صحیحه بزنطی که طائفه ثالثه است متباین هست با طائفه اولی. طائفه اولی می گوید المحصور لاتحل له النساء، طائفه ثانیه صحیحه بزنطی می گوید المحصور تحل له النساء. و ما با طائفه ثالثه که صحیحه معاویة بن عمار است که در عمره مفرده وارده شده انقلاب نسبت بر قرار می کنیم. آقای خوئی انقلاب نسبت را این طوری برقرار کرد. فرمود طائفه ثالثه در مورد عمره مفرده می گوید لاتحل له النساء. حمل می کنیم صحیحه بزنطی را که می گوید تحل له النساء بر غیر عمره مفرده؛ بر عمره تمتع و حج. و اخص مطلق می شود صحیحه بزنطی از طائفه اولی که می گفت المحصور لاتحل له النساء. مرحوم استاد دقت بیشتری کردند. فرمودند طائفه ثالثه مطلق عمره مفرده نیست. عمره مفرده ای است که ذبح المحصور هدیه فی مکانه. انقلاب نسبت را باید بر اساس این تنظیم کنیم. و لذا در این مسئله هم این طور فرمودند که در عمره مفرده هم تفصیل می دهیم. می گوییم اگر در عمره مفرده محصور شد قربانی را فرستاد به مکه و از طرف او در مکه قربانی ذبح شد و بعد این آقا حلق و تقصیر کرد، نساء هم بر او حلال می شود. ولی اگر نه، همانجا قربانی کرد نساء بر او حلال نمی شود مثل امام حسین علیه السلام.

[سؤال: ... جواب:] انقلاب نسبت نیاز به مفهوم ندارد. ما نگفتیم شاهد جمع. یک وقت شاهد جمع می گوییم، یعنی خطاب سوم مفهوم دارد. مثلا یک خطاب می گوید اکرم کل عالم یک خطاب می گوید لاتکرم العالم. خطاب سوم می گوید ان کان العالم عادلا فاکرمه و الا فلاتکرمه این می شود شاهد جمع. انقلاب نسبت نیاز به مفهوم ندارد. انقلاب نسبت این است که مثلا این خطاب سوم بگوید لاتکرم العالم الفاسق. لاتکرم العالم الفاسق هم اصلا مفهوم ندارد چون سائل گفته هل اکرم العالم الفاسق؟ امام فرموده لا. مفهوم ندارد. ولی این خطاب سوم منطوقش مفادش این شد که لاتکرم العالم الفاسق. اطلاق اکرم کل عالم را تخصیص می زند می شود اکرم کل عالم عادل. آن وقت اکرم کل عالم عادل می آید لاتکرم العالم را تخصیص می زند. می شود انقلاب نسبت. اینجا هم همین طور است.

به نظر ما این فرمایش ها قابل مناقشه است. اولا ما انقلاب نسبت را نپذیرفتیم. جمع عرفی نمی دانیم انقلاب نسبت را. حالا بزرگان ما همه شان البته انقلابی نیستند. برخی انقلاب نسبت را قبول دارند. ولی برخی هم مثل امام قبول ندارند انقلاب نسبت را. و به نظر ما عرفی هم نیست انقلاب نسبت.

[سؤال: ... جواب:] آقای سیستانی انقلاب نسبت را به شکل جمع عرفی قبول ندارند و اینجا هم مثل مشهور صحبت کردند. هیچ اعمال نکردند مطلبی را در اینجا. فرمودند مثل مشهور، بعث الهدی لازم است بر محصور ان لم یتمکن یذبح فی مکانه و بهرحال محصور چه در عمره مفرده چه در عمره تمتع چه در حج لاتحل له النساء حتی یطوف و یسعی فی عمرة اخری او حج.

پس اشکال اول این است که انقلاب نسبت را ما قبول نداریم.

[سؤال: ... جواب:] آقای زنجانی هم با همین فتوی شان معلوم می شود انقلاب نسبت را قبول دارند. هم صریحا فرمودند ما انقلاب نسبت را عرفی می دانیم. ما به نظرمان عرفی نمی آید. یعنی عرفی تنافی و تعارض را مستحکم می بیند بین آن دو خطاب متباین.

هذا اولا.

ثانیا: برفرض ما انقلاب نسبت را قبول کنیم، آقا! صحیحه بزنطی موردش قدر متیقنش کسی است که شرط الاحلال کرده. چون ذیل صحیحه دارد: أ ما بلغک قول ابی عبدالله علیه السلام ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی لقدرک الذی قدرت علی. صحیحه بزنطی موردش مورد شرط الاحلال است. ما در شرط الاحلال قبول داریم، آقای زنجانی هم فتوی دادند که اگر کسی در حال احرام با خدا شرط کند خدا! اگر مشکلی پیدا شد فحلنی حیث حبستنی این به صرف محصور شدن نساء هم بر او حلال می شود. آن وقت معلوم می شود امام حسین شرط الاحلال نکرده بود. اشکال ندارد. حالا شرط الاحلال برای ما فقیر فقراء است. شاید اثر وضعی اش باعث شده که امر کنند به شرط الاحلال. خود ائمه خود پیغمبر هم طبق این مبنای فقهی که شرط الاحلال موجب خروج از احرام است به مجرد صد و حصر، پیغمبر هم به مجرد صد از احرام خارج نشد. نحر بدنته و حلق و احل. عیب ندارد. یا حالا در زمان پیغمبر تشریع نشده بود شرط الاحلال یا پیغمبر اصلا شرط الاحلال نکرده بود. امام حسین شاید شرط الاحلال نکرده بود. این که مشکلی به وجود نمی آورد. ظاهر همین صحیحه بزنطی و یک صحیحه ای که قبلا خواندیم که ان الله احق من وفی بما اشترط علیه، کسی که شرط الاحلال می کند به مجرد این که محبوس شد از اتمام مناسک محل می شود.

پس آقا! صحیحه بزنطی در مورد شرط الاحلال است. چرا متباین می گیرید؟ جزء طائفه ثانیه قرار می دهید که متباین است با طائفه اولی. طائفه اولی می گفت المحصور لاتحل له النساء. طائفه ثانیه را می گویید گفته تحل له النساء. نخیر؛ صحیحه بزنطی راجع به محصوری که اشترط الاحلال فرموده تحل له النساء.

این هم اشکال دوم.

حالا ما اشکال مبنایی می کنیم. این عرائض ما اشکال مبنایی است به آقای خوئی و ‌آقای تبریزی و اشکال بنایی است به آقای زنجانی چون آقای زنجانی صحیحه بزنطی را ظاهرا مربوط می دانند به شرط الاحلال.

[سؤال: ... جواب:] اما بلغک قول ابی عبدالله ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی ظاهرش این است که ‌آقا! وقتی امام صادق فرموده که در دعای احرام بخوانید که خدایا! با تو شرط می کنم اگر مانعی پیدا شد من را رها کنی از احرام حج یا عمره ام این ظاهرش این است که یعنی شما لابد این دعا را خواندید و نتیجه این دعا این است. بیش از این اطلاق ندارد. شامل غیر فرد شرط الاحلال نمی شود.

اشکال سوم:

اشکال سوم ما این است که آقا! در انقلاب نسبت شرط است که خطاب سوم که می خواهد موجب انقلاب نسبت باشد مخصص احد الخطابین الاولیین باشد. لاتکرم العالم الفاسق مخصص اکرم کل عالم است بعد اکرم کل عالم می شود اکرم کل عالم عادل تخصیص می زند لاتکرم العالم را در خطاب اول. اینجا صحیحه معاویة بن عمار درست است موردش عمره مفرده است اما امام علیه السلام در ذیل، کبری کلی فرمود. کبری کلی که امام علیه السلام در این صحیحه معاویة بن عمار که فعل امام حسین را نقل کرده این است که می گوید ان الحسین علیه السلام کان محصورا و النبی کان مصدودا. روایت را بخوانم: فقلت أرایت حین برء من وجعه احل له النساء؟ فقال لاتحل له النساء حتی یطوف بالبیت و یسعی بین الصفا و المروة. قلت فما بال النبی رجع الی المدینة حل له النساء و لم یطف بالبیت؟ فقال لیس هذا مثل هذا. النبی کان مصدودا و الحسین کان محصورا. این ظاهرش این است که محصور حکمش این است.

[سؤال: ... جواب:] و الحسین کان محصورا یعنی چون امام حسین محصور بود لم تحل له النساء. ... ببینید اشکال سوم به مرحوم آقای تبریزی است که در عمره مفرده هم تفصیل دادند و یا آقای زنجانی که در عمره مفرده هم تفصیل دادند بین این که محصور در عمره مفرده در مکانش ذبح کند یا قربانی را بفرستد مکه. اگر قربانی را بفرستد مکه این بعد که حلق و تقصیر می کند همه چیز بر او حلال می شود. اما اگر بیاید در همین مکان حصر قربانی کند اینجا است که زن حلال نمی شود که آقای تبریزی و آقای زنجانی این طور فرمودند. ما عرض مان این است که لقائل ان یقول که امام علیه السلام در فرق بین پیامبر و امام حسین فرمود که کان الحسین محصورا. پیامبر مصدود بود امام حسین محصور بود. نه محصوری که ذبح فی مکانه. ظهور عرفی اش این است که چون امام حسین محصور بود لم تحل له النساء.

[سؤال: ... جواب:] من متوجه اشکال شما هستم. شما می فرمایید پیغمبر در مکانش ذبح کرد امام حسین هم در مکانش. بعد می گویند پیامبر چرا زن بر او حلال شد امام حسین حلال نشد؟ امام علیه السلام می فرماید چون امام حسین محصور بود پیامبر مصدود بود. شما می فرمایید چون هر دو در مکان خودشان قربانی را کشتند قدرمتقین راجع به همین فرض است. بنده عرضم این است که ظاهر تعلیل که و الحسین کان محصورا این است که من کان محصورا حکمه کذا. حالا ما بالاخره اصراری به این اشکال سوم نداریم. ولی لقائأ ان یقول که ظاهر و الحسین کان محصورا این است که حکم محصور این است.

اشکال چهارم که این اشکال به مرحوم استاد هست اشکال این است که آقا! این حمل بر فرد نادر نمی شود؟ آن صحیحه معاویة بن عمار در طائفه اولی که امام فرق بین مصدود و محصور را بیان کرد فرمود المصدود تحل له النساء و المحصور لاتحل له النساء، حمل کنیم بر خصوص عمره مفرده ای که ذبح فی مکانه. یعنی عمره تمتع خارج کنیم، حج را خارج کنیم، عمره مفرده ای که قربانی را به مکه می فرستد این ها همه را خارج کنیم از و المحصور لاتحل له النساء. فقط مورد المحصور لاتحل له النساء کسی است که عمره مفرده بجا آورده و در همان محل حصر قربانی کرده، این خلاف ظاهر نیست؟ این حمل بر فرد نادر نمی شود؟

[سؤال: ... جواب:] ببینید صحیحه معاویة بن عمار را بخوانم: قال سمعته یقول المحصور غیر المصدود. المحصور المریض و المصدود الذی یصده المشرکون کما ردوا رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه لیس من مرض. و المصدود تحل له النساء و المحصور لاتحل له النساء. قال و سألته عن رجل احصر فبعث بالهدی قال یواعد اصحابه الی آخره. یک خطاب مطلق بگویند المصدود تحل له النساء و المحصور لاتحل له النساء بعد بگویند مراد ما خصوص عمره مفرده است. آن هم عمره مفرده ای که نحر او ذبح فی مکانه... یک خطاب مطلقی را بگویند بعد بگویند مراد ما آن هایی هستند که عمره مفرده بجا می آورند و در مکان خودشان ذبح می کنند قربانی را این به نظر می رسد که حمل عرفی نباشد.

و لذا ظاهر این است که معتمر به عمره مفرده چه در مکانش ذبح کند چه قربانی را به مکه بفرستد اگر شرط الاحلال نکرده باشد حرمت نساء بر او می ماند تا این که یک عمره مفرده دیگری بجا بیاورد. و حق در این مسئله با مشهور از جمله آقای خوئی هست.

یک مطلب بگویم این بحث را تمام کنم.

آقای زنجانی راجع به این محصوری که ذبح فی مکانه یک مطلبی فرمودند این هم بد نیست بگوییم. و آن این است که اصلا این نیاز به حلق و تقصیر ندارد. این که ما گفتیم محصور حلق و تقصیر می کند مربوط به آن کسی است که قربانی را به مکه می فرستد. اما اگر قربانی را به مکه نفرستاد، در مکان حصر قربانی کرد یا در جای دیگر، احتیاج به حلق و تقصیر ندارد. در عمره مفرده ایشان این را فرمودند. در عمره مفرده آقای زنجانی فرمودند اگر شرط الاحلال نکند شرط الاحلال که ایشان می گویند چه در مصدود چه در محصور چه در حج چه عمره فایده اش این است: به مجرد این که مانع به وجود آمد سریع لباس احرام را در بیاور لباس مخیط بپوش چون فحلنی حیث حبستنی. اما جایی که شرط الاحلال نمی کنی، در عمره مفرده که مخیری بین ارسال هدی به مکه یا ذبح الهدی فی مکانه، اگر ارسال هدی بکنی به مکه صبر کن بعد از این که خبر یعنی تاریخ آن قربانی کردن هدیت در مکه رسید حلق و تقصیر کن نساء هم بر تو حلال می شود. و اگر قربانی را می خواهی در همین مکان حصر قربانی بکنی بکن. نیاز به حلق و تقصیر هم نداری. البته نساء حلال نیست در این فرض به نظر ایشان که عرض کردیم.

 ببنیم دلیل ایشان بر این که این آقا نیاز به حلق و تقصیر ندارد بر خلاف مرحوم استاد که می فرمود نه؛ حلق و تقصیر بکند. ایشان می فرمایند که من نحر فی مکانه، من ذبح فی مکانه و هو محصور عن العمرة المفردة لاتحل له النساء و لایحتاج الی الحلق و التقصیر. ببینیم دلیل ایشان چیه؟ ان شاء الله روز شنبه.